

سنجش توسعه‌ی پایدار محله‌ای (مطالعه‌ی موردی: شهر خرم آباد)

سمیه رحیمی یکتا^۱، اصغر شکرگزار^۲، مریم جعفری مهرآبادی^۳

تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۱۱/۱، تاریخ تایید: ۱۳۹۷/۰۹/۲۸

چکیده

تحلیل پایداری و وضعیت شاخصهای پایداری در سطح محله‌های شهری به عنوان رهیافتی جهت حرکت در مسیر توسعه‌ی پایدار شهری همواره یکی از اهداف مدیران شهری بوده است. بر این اساس هدف از این پژوهش بررسی وضعیت توسعه پایدار محله‌ای در سطح محلات شهر خرم‌آباد و شناخت وضعیت متفاوت بین محلات و نشان دادن سطوح مختلف محلات از نظر شاخص‌های توسعه‌ی پایدار محله‌ای بوده است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی و گردآوری داده‌ها با استفاده از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه بوده است. با توجه به نتایج حاصل از آزمون آنوا، در همه‌ی شاخص‌های توسعه‌ی پایدار محله‌ای (شاخص‌های ابعاد اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی، کالبدی)، بین محلات مورد بررسی از نظر تفاوت میانگین‌ها اختلاف معنادار وجود دارد؛ یعنی محلات از نظر این شاخص‌ها در وضعیت متفاوتی قرار دارند. همچنین به منظور پاسخگویی به سوال پژوهش جهت تعیین سطوح همگن توسعه‌ی پایدار محله‌ای و رتبه‌بندی محلات از نظر سطح برخورداری از شاخصهای توسعه‌ی پایدار محله‌ای از نتایج تحلیل خوشه‌ای و آزمون توکی استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصل از آن محله شیرخوارگاه دارای توسعه‌ی پایدار محله‌ای بالا در سطح ۳ (پایدار)، محله‌های ساحلی خواجوی، تفکیکی دلفان، شهدا، فاز یک، علوی دارای توسعه‌ی پایدار محله‌ای متوسط در سطح ۲ (نیمه پایدار)، محله کرگانه، اسپستان شرقی و گل سفید دارای توسعه‌ی پایدار محله‌ای پایین در سطح ۱ (ناپایدار) بوده‌اند.

کلیدواژگان: محله، توسعه پایدار، توسعه پایدار شهری، توسعه پایدار محله‌ای، شهر خرم‌آباد.

۱- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان: smyekta92@gmail.com
۲- استادیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان؛ نویسنده مسئول: dr_asgarshokrgozar@yahoo.com
۳- استادیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان: jafarimehrabadi@gmail.com

مقدمه

به دنبال تغییر در شرایط و عوامل گسترش شهرنشینی در سال‌های اخیر، محله‌های مسکونی امتیازات ویژه‌ای در ساختار شهرها داشته‌اند. دیدگاه توسعه پایدار، حل مشکلات شهری را استفاده از نیروهای توانمند درون‌زا در محلات شهری یعنی، گروه‌ها و اجتماعات محلی که از جایگاه و کارکرد ویژه‌ای از لحاظ حفظ و توسعه تنظیمات اجتماعی در شهر برخوردار هستند، می‌داند. "توسعه پایدار محله‌ای معتقد بر این اصل است که محلات شهری دارای درون‌مایه عظیم اجتماعی و فرهنگی هستند که تنها بازآفرینی فرهنگ شهروندی و توجه به محلات به عنوان جایگاه زندگی اجتماعی ساکنین، به توسعه پایدار محله‌ای می‌انجامد" (معصومی، ۱۳۹۰: ۱۱). سنجش پایداری در راستای توسعه پایدار به ویژه توسعه پایدار محله‌ای، نوعی ارزیابی توسعه اجتماعی، اقتصادی جامعه است و مانند هر ارزیابی اجتماعی دیگر بر مشاهده و پرسش و تاحدی تخمین و حدس استوار است. پایداری یک مفهوم نسبی و همه‌جانبه است و همین ویژگی‌ها باعث شده که علی‌رغم مطالعات گسترده در رشته‌های مختلف مثل جغرافیا و سایر رشته‌هایی که در زمینه توسعه پایدار مطالعه می‌کنند، نمی‌توان معیارهای مطمئن و قابل پذیرش عمومی برای سنجش پایداری محله تهیه و در نظر گرفت. بررسی وضع موجود محلات، برنامه‌ریزان شهری را ناگزیر از توجه به برنامه‌ریزی در مقیاس‌های خرد یعنی محله‌ها نموده است که می‌توان ابعاد مختلف زندگی شهری را به شکل عینی مورد بررسی قرار داد و با برنامه‌ریزی مناسب و استفاده از منابع علمی به شاخص‌های توسعه محله‌ها دست یافت. چنانچه پژوهش‌ها و مطالعات زیادی در یکی دو دهه‌ی اخیر صورت گرفته که همه به نوعی سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت شهری را از خردترین واحد یعنی محله در شهر هدف قرار داده است. "رفع مشکلات محله‌های شهری ضمن اینکه می‌تواند به انسجام بیشتر روابط محله‌ای منجر شود به نوبه خود قادر به ارائه الگوهای هویت بخش برای محله‌های جدید نیز خواهد بود. در حالیکه رشد سریع شهرها در کنار ضعف مدیریت اجرائی و اصول محتوایی طرح‌های گسترش و توسعه محله‌ای، بسیاری از محله‌های شهرها را از پایداری‌های مورد نظر محروم ساخته است" (شیعه، ۱۳۸۸: ۶۴). در مواجهه با رشد مشکل‌آفرین شهرها، رویکردهای مختلف برنامه‌ریزی از جمله توسعه پایدار به دنبال راه‌حل‌های واقع بینانه توسعه شهری هستند و با توجه به نقش برنامه‌ریزی محله‌ای در هدایت مدیریت شهرها، دیگر توجه فزاینده‌ای بر روی محله‌گرایی مشاهده می‌گردد. در واقع برای دستیابی به شهرهای پایدار قبل از هر چیز محلات پایدار لازم است، زیرا محلات به عنوان کوچکترین واحد تقسیمات شهری، اقدام‌های سازنده شهر محسوب می‌شوند. "با وجود این، بحث‌های توسعه پایدار را می‌توان در سطوح و فعالیت‌های مختلف مطرح کرده که شامل مقیاس‌های بین‌المللی، ملی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای، محلی (شهری)، محله‌ای، واحدهای همسایگی، سایت و مقیاس معماری است. در رابطه با جایگاه محله در شهر می‌توان گفت که محله‌ها ساخت و بافت اصلی شهرها را تشکیل می‌دهند. زندگی روزمره مردم در مقیاس محله به طور محسوس قابل درک بوده و آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این تأثیر از طریق نوع زیرساخت‌ها، تجهیزات و خدمات شهری موجود در مقیاس محله، فاصله سفرها و تعاملات اجتماعی ساکنین و همسایگان شکل می‌گیرد" (عزیزی، ۱۳۸۵: ۴۶-۳۵). بنابراین برنامه‌ریزی شهری پایدار بر این اصل استوار است، که فضای یک شهر درون محله شکل می‌گیرد و بر پایه آن تداوم می‌یابد (همان). با این حال، اگر اجزای شهرها مثل محله‌ها از معیارهای پایداری برخوردار نباشند نمی‌توان آنها را توسعه یافته قلمداد کرد (Choguill, 2008: 41). محله‌های شهر خرم‌آباد همچون سایر شهرهای ایران دستخوش تغییرات گسترش شهری شده و تداخل سبک‌ها و شیوه‌های معماری در آن باعث ناهماهنگی بسیاری در چهره محلات و فرسوده شدن این محله‌ها شده است. گروه‌هایی که وارد این محلات می‌شوند دارای هنجارها و الگوهای زندگی، فرهنگی متفاوت می‌باشند و به تناسب روابط درون گروهی کنونی به درجات متفاوتی متأثر از فرهنگ جامعه مبدأ خود می‌باشند. در نتیجه این پیامد، ظرفیت مشارکت مردمی در محله‌ها کاهش یافته و در نتیجه گسیختگی و کاهش انسجام اجتماعی در محله‌ها بدنبال داشته است. این فرآیند موجبات کاهش کارآمدی الگوی زیست‌پذیری محله‌ها را فراهم آورده است. این بدان معناست که عملاً ظرفیت‌های مطلوب محلات جهت توسعه پایدار نادیده گرفته شده است. بنابراین استفاده از الگوی توسعه پایدار محله‌ای، در فرآیند برنامه‌ریزی شهری و بهره‌مندی از ظرفیت‌های محله در این شهر ضروری می‌نماید. تحقیق حاضر بر آن بوده است که

وضعیت پایداری محله‌های شهر خرم‌آباد را مورد سنجش قرار دهد و در صدد آزمون این فرضیه بوده است که «محلات مورد مطالعه شهر خرم‌آباد از نظر توسعه پایدار محله‌ای در وضعیت متفاوتی قرار دارند». همچنین سئوالی که این پژوهش به دنبال پاسخگویی به آن بوده است عبارت است از:

کدام یک از محلات مورد مطالعه شهر خرم‌آباد از نظر توسعه پایدار محله‌ای در شرایط مناسب تری قرار دارد؟

مبانی نظری

توسعه پایدار شهری

در حال حاضر موضوع توسعه پایدار شهری تعاریف مختلفی ارائه شده است تنوع موجود در این تعاریف نشان می‌دهد که هنوز یک مفهوم و تعریف جامع و مانع که قابل قبول برای همه باشد مطرح نگردیده است ولی در کلیه این تعاریف محور مشترک همان توجه به آینده است (قربانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۵). نظریه توسعه پایدار شهری موضوعاتی نظیر جلوگیری از آلودگیهای محیط شهری و ناحیه ای، کاهش ظرفیت ها، تولید محلی، ناحیه ای و ملی، حمایت از بازیافتها، عدم حمایت از توسعه‌های زیان‌آور و از بین رفتن بردن شکاف میان فقیر و غنی را مطرح می‌کند. این نظریه به مثابه‌ی دیدگاهی راهبردی به نقش دولت در این برنامه‌ریزی ها، اهمیت بسیار میدهد معتقد است دولت باید از محیط زیست شهری حمایت همه‌جانبه‌ای کند مک نیل معتقد است که توسعه پایدار به میزان وسیعی با شهر ارتباط پیدا میکند دلایل عمده‌ی این رابطه‌ی تنگاتنگ را باید در توزیع جمعیت، نقش و فعالیت دولت‌ها در سطوح مختلف و تولید و مصرف کالا و خدمات دید که اثرات قابل توجهی در رابطه با مسائل اکولوژیکی با سیستمهای اقتصادی دارد تفکر جدید سیاست و تصمیمات جدید رامی‌طلبد. (خدایی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴).

در واقع در تعریف توسعه پایدار شهری میتوان گفت: توسعه پایدار شهری یعنی توسعه‌ای که بتواند به نیازهای مردم شهر پاسخ‌گوید و بقا و دوام آن را تضمین گردد و در عین حال آب و خاک و هوا و سه عنصری که برای حیات انسان ضروری است آلوده و بلا استفاده نگردد یعنی در توسعه بدنبال این است که با توجه به محدودیتهای زیست محیطی و حفظ منابع طبیعی برای نسلهای آینده بتواند نیازهای انسان را برطرف کند. (قربانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۳).

توسعه پایدار محله ای

با مطرح شدن محله به عنوان به عنوان «سلول زندگی شهر^۱)» تحقق توسعه پایدار نیز تنها در قالب توسعه محله‌ای و در مقیاس محلی، در ادامه‌ی تفکر «جهانی بیندیش، محلی عملی کن»^۲) بدنبال شد. با این مقدمه ((نظریه توسعه پایدار محله ای)) در چند دهه ی اخیر تفکر نوینی در شیوه ی توسعه ی محلات شهری ارائه نموده است. غالباً اصطلاحات دیگر نیز به این مفهوم اشاره دارند از جمله: «توسعه ی سبز^۳)»، «محیط مصنوع پایدار^۴)»، «اجتماع سبز»^۵)، (GREEN COMMUNITY)، «جوامع پایدار^۶)»، «جامعه سالم^۷)» (معصومی، ۱۳۹۰: ۶۲). امروزه تحقق توسعه پایدار منوط به توجه و اقدام در مقیاس‌های کوچک و محله‌ای است (Choguill, 2007: 5). محله بدون توسعه و پیشرفت مفهومی ندارد و توجه به توسعه محله‌ای به اندازه خود برنامه‌ریزی محله‌ای اهمیت دارد (Townsend, 2005: 12). توسعه محلی هنگامی پایدار است که حداقل سطح پنجم مشارکت یا مشارکت کارکردی را به ارمغان آورد؛ یعنی گروهی از مردم محلی برای دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده مرتبط با طرح توسعه تشکیل شود (Richards and Hall, 2002: 234). توجه به نقش و اهمیت حکومت محلی و همچنین مشارکت شهروندان در اجرای تصمیمات دو عامل مهم

۱-Urban life cellule

۲- reen development

۳- sustianable built environment

۴- Sastainable Society

۵- healthy society

نیل به توسعه‌ی مناسب در مقیاس محلی بوده است؛ بنابراین، بهترین نقطه شروع حرکت به سوی پایداری محسوب شده است (بیگلری، ۱۳۸۹: ۶۹-۶۸). بخش عمده‌ای از توسعه محله‌ای پایدار، به رسمیت شناختن این مسئله است که شهر یا محله فقط مجموعه‌ای از ساختمان‌ها نیست، بلکه محله متشکل از مردمی است که با مشکلات و مسائل مشترک خود، از طریق ظرفیت‌های دست‌نخورده برای توانمندسازی روبه‌رو می‌شوند. محله از لحاظ جغرافیایی مکان‌محور است و تعریف آن مبتنی بر مکان صورت می‌گیرد و از لحاظ جامعه‌شناختی به مردم و علائق آن‌ها توجه دارد (Phillips and Pittman, 2009, 3). توسعه پایدار محله‌ای به دنبال حفاظت از محیط‌زیست، تقویت و پایداری اجتماعات محله‌ای، مشارکت ساکنان در محله و تأمین نیازهای خدماتی مانند آموزش، بهداشت و درمان در سطح محلات است (Kline, 1997: 4). تحقق توسعه پایدار محله‌ای نیز، خود مستلزم اتخاذ راهبردها، برنامه‌ها، سیاست‌ها و اقدامات اجرایی در سطح محله‌ای است (حاجی‌پور، ۱۳۸۳: ۵ و هودسنی، ۱۳۸۴: ۲). توسعه پایدار محله‌ای به فرآیندی از کنش‌ها و ارتباطات متقابل و مداوم گفته می‌شود که با افزایش تعاملات همبستگی‌ها در سطح محله، زمینه دستیابی به توسعه پایدار را در سطح شهر و در نهایت جامعه به همراه خواهد آورد (Scott, Jambeck and Scott, 2014). به طور کلی هدف اصلی در توسعه پایدار محله‌ای ایجاد یک اجتماع پایدار (چه در سطح شهر و چه در سطح ملی) از طریق بهره‌گیری از پتانسیل‌ها و همبستگی‌های بالقوه و بالفعل ارزشی، اجتماعی، فرهنگی و گاه اقتصادی ساکنین اجتماعات کوچک شهری می‌باشد (Sharifi and Murayama, 2013).

توسعه پایدار محله‌ای در در تبیین محلات بیشتر متکی به بحث‌های مشارکتی، زیست محیطی و توانمندسازی قشرهای مختلف برای بهبود هر چه بیشتر محلات و سازماندهی محلات از دل خود محله است و این روند با تدوین شاخص‌های و معیارهای توسعه پایدار امکان‌پذیر است.

اصول و معیارهای پایداری محله

در قالب نظریه‌ها و تجربیات موجود در مقیاس جهانی، اصول و معیارهای بسیاری را می‌توان برای توسعه‌ی پایدار در مقیاس شهر و محله مطرح و مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. از جمله این اصول و معیارها می‌توان به سرزندگی، هویت، تنوع، خوانایی و دسترسی اشاره کرد که در ادامه به‌طور مختصر مورد بررسی قرار می‌گیرند. (معصومی، ۱۳۹۰: ۶۴).

هویت و سرزندگی

وضوح در درک از محله و سهولت در شناخت و برقراری پیوند بین عناصر و اجزای آن با سایر رویدادها و مکان‌ها رامی‌توان در زمره‌ی هویت محله دانست. محله با هویت، محله‌های است که از سایر مکان‌ها و محله‌ها قابل تمایز است (لینچ، ۱۳۷۴: ۱۶۷). خوانایی محله از جمله معیارهای هویت و پایداری محله‌ها به شمار می‌رود. محله‌ها و فضاهای شهری می‌توانند از ساختاری قابل درک برخوردار باشند برای مثال گم شدن و گپیچ شدن انسان در شهر و محله به ویژه غربیه‌ها، تجربه‌ی منفی به شمار می‌آید برای تحقق این منظور نشانه‌ها می‌توانند با هدف جهت‌یابی و هدایت‌کننده، عناصری بسیار مهم در خوانایی محله محسوب شوند این نشانه‌ها می‌توانند در قالب بناهای خاص و منحصر به فرد، مناظر ویژه، شکل خیابان‌ها، بناهای مرتفع و عناصر کالبدی خاص بروز داشته‌اند (چپ من ۱۳۸۴: ۱۷۸) محله‌ی خوب و پایدار سکونتگاهی است که سلامت و بهزیستی ساکنان و بقای موجودات زنده در آن تأمین باشد. از جمله عوامل مؤثر در ایجاد سرزندگی در محله، وجود فضاهای عمومی مناسب است. این فضاها با میزان جذابیت خود و اثرگذاری بر ذهن انسان می‌توانند سرزندگی محله را تأمین کنند. برای مثال تخصیص فضای مناسب برای عابران پیاده، انجام فعالیت‌های اقتصادی، ترافیک آرام، امکانات و زمینه‌های مناسب برای خرید مردم و فضاهای تفریحی نظیر سینما، تئاتر، مکان‌های ورزشی، موزه‌ها، مراکز فرهنگی، رستوران و کتابخانه، موجبات ارتقای سرزندگی محله را فراهم می‌کنند (آزربرزین، ۱۳۹۳: ۵۱).

پویای و سازگاری

همراه با تداوم زندگی انسان‌ها و زنده بودن طبیعت، محله‌های شهری نیز باحالت ارگانیک و پویا سیر تاریخی خود را سپری می‌کنند. محله‌ها مکان تلاقی تعاملات و عوامل اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی هستند. مثال‌هایی از تداوم و عوامل فوق را می‌توان در این موارد دید: تداوم زندگی ساکنان محله‌ها از گذشته تا حال، تغییر و تداوم در انواع و الگوی فعالیت‌ها، پویایی مکان محله‌ها نسبت به کل مرکز شهر، کمی است، کیفیت و ارزش بناها و ساختمان‌های مسکونی و غیرمسکونی، الگو و عمر ساختمان‌ها، الگوی توزیع فضاهای باز و سبز و شبکه معابر، مصالح ساختمانی مختلف بومی و غیربومی، الگوی مالکیت، تجهیزات و فعالیت‌های جدید شهری در قالب نیازهای جدید اجتماعی و فرهنگی، منظر منطقه از نظر طبیعت و مرزهای محله. تغییرات در هریک از شرایط، عوامل و ویژگی‌های فوق‌الذکر به‌عنوان فشارهای اجتماعی و اقتصادی می‌توانند به تدریج موجبات تحول و دگرگونی کالبدی محله را فراهم کنند. این دگرگونی‌ها را می‌توان در تغییر الگوی ساختمان‌ها در قطعات خود (برای مثال جانمایی ساختمان‌های جدید در بین ساختمان‌های موجود، ایجاد تراس و بالکن)، بلندمرتبه‌سازی، تغییر کاربری‌ها، فرسایش و نابودی درختان و فضاهای سبز، فرسایش زیست‌محیطی از طریق افزایش ترافیک، فرسودگی تجهیزات شهری و از دست دادن کارایی آن‌ها (کتابخانه‌ها، درمانگاه‌ها، فضاهای آموزشی و غیره) مشاهده کرد در پاسخگویی به نیازهای جدید که حاصل تغییرات اجتناب‌ناپذیر محله‌های شهری هستند، راهبردها و سیاست‌ها و برنامه‌های مختلفی تجربه می‌شوند. نقاط قوت و ضعف هر یک از چنین برنامه‌هایی می‌تواند میزان کارایی برنامه‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. اما آنچه مهم به نظر می‌رسد، پذیرش تغییرات و سازگاری سیاست‌ها و برنامه‌های پاسخگو است. برای مثال، نگهداری و نوسازی بافت‌های محله‌ها، اعم از بناها و فضاهای عمومی، نوسازی و بهسازی بافت‌ها و بناهای فرسوده، گسترش و توسعه کمی ساختمان‌ها (برای مثال افزایش تراکم ساختمانی) برای تأمین نیازهای جدید و تأمین فضاهای جدید سازگار با نیازهای جدید از آن جمله هستند (معصومی، ۱۳۹۰: ۶۵).

تنوع

خصیلت‌های ساکنین محله‌ها و فعالیت‌های آن‌ها به‌عنوان دو عامل مهم و تعیین‌کننده در کیفیت زندگی محسوب می‌شوند. هر دو خصیلت مذکور به تبع شرایط مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی در جوامع مختلف، شهرهای مختلف و محله‌های مختلف، از تنوع لازم برخوردار هستند. اصل تنوع را می‌توان در قالب اصول و معیارهای کارایی، سرزندگی و پایداری محله‌ها در نظر گرفت. با رعایت این اصل، شرایط کالبدی و فضاهای محله به‌گونه‌ای خواهند بود که قرار گرفتن در راس نیازهای جدید، از جامعیت برخوردار بوده و نیازهای متنوع را پاسخگو باشد (Wheeler, 2004: 199).

دسترسی

حرکت در محله می‌تواند در قالب اهداف متنوع خود ابعاد مختلفی را در برگیرد. عمده‌ترین تفاوت حرکت و دسترسی در مقیاس محله در مقایسه با واحدهای بزرگ‌تر از آن (نظیر شهر، منطقه و کشور) ارتباط محسوس و مستقیم آن با زندگی و خانواده‌هاست. دسترسی در محله تنها برای رفت‌وآمد نیست، بلکه می‌توان از آن فضایی با عملکردهای متنوع را نیز انتظار داشت. دسترسی‌ها می‌توانند فضایی برای لذت بردن از فرآیند حرکت باشند. در برنامه‌ریزی، طراحی و احداث شبکه‌های ارتباطی و معابر در مقیاس محله که عملکردی فراتر از فضای تردد داشته باشند، اصول و معیارهایی را می‌توان انتظار داشت که عبارت‌اند از: راحتی دسترسی، امنیت، فضای اجتماعی، توجه به محیط‌زیست، جنبه‌های اقتصادی و تعادل (معصومی، ۱۳۹۰: ۶۶).

تراکم و ظرفیت قابل تحمل محله

تراکم مفهومی است که در انواع مفاهیم و واژه‌های مختلف خود (تراکم‌های جمعیتی، ساختمانی، مسکونی، خالص، و ناخالص) و در سطوح مختلف کالبدی - فضایی از موضوعات و شاخص‌های کلیدی و تعیین‌کننده است. تراکم متأثر از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و کالبدی است و پایه‌ی مباحث سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و طراحی برنامه‌های توسعه را تشکیل می‌دهد (آزربرزین، ۱۳۹۳: ۵۲). ابعاد و آثار هریک از تراکم‌ها به تبع سلسله مراتب فوق‌الذکر دارای شدت و ضعف متفاوت است، به گونه‌ای که هرچه مقیاس محدوده‌ها و فعالیت‌ها کوچکتر شوند

اثر تراکم بر بافت کالبدی — فضایی آنها و نیز زندگی مردم محسوس تر خواهد بود. براین اساس، موضوع تراکم در مقیاس محله در مقیاس با سطوح بالاتر از خود (شهر، ناحیه، منطقه، کشور و جهان) بیشتر قابل تامل بوده و نیاز به بررسی ابعاد دقیق‌تر آن دارد. زمانیکه مفاهیم و تعاریف مختلف تراکم، به کار گرفته می‌شوند اثرات آن را در مقیاس محله و در ابعاد مختلف میتوان شاهد بود. سرانه‌ی فضاهای آموزشی، شبکه‌های پیاده و سواره، پارک، ارتفاع طبقات ساختمان، شکل قطعات، مکان‌های ورزشی در مقیاس محله از مفهوم واقعی‌تر برخوردار می‌شوند. ادراک از تراکم کم و زیاد در محله‌ها با ویژگی‌های متفاوت می‌تواند مختلف باشد، برای مثال تراکم در یک محله‌ی سبز، آرام و جذاب و با ساختمان‌های متعارف میتواند ظاهراً بالا باشد، اما از دیدگاه مردم و ساکنان کم تراکم احساس شود. در مقابل، تراکم در یک محله کثیف، شلوغ و پرتراکم (که ارتباط با جمعیت ساکن در محله نداشته باشد) میتواند بیشتر احساس شود از جمله موضوعاتی که در ارتباط مستقیم با تراکم بوده و اثرات مستقیم بر کیفیت زندگی در مقیاس محله دارد، موضوع ظرفیت قابل تحمل است. تجزیه و تحلیل ظرفیت شهری به گونه‌ای که در جهت بهبود کیفیت زندگی مردم باشد، نیازمند تجزیه و تحلیل ظرفیت محله‌های شهری است و به عنوان یک اصل در برنامه‌ریزی محلی تلقی می‌شود. نتیجه‌ی چنین تجزیه و تحلیلی می‌تواند راهنمای تصمیم‌گیری در راستای توسعه‌ی پایدار و برای زندگی سالم و باکیفیت باشد. مطالعات ظرفیت قابل تحمل محله، به عنوان بخش مهمی از فرآیند احداث و نیز برنامه‌ی نوسازی محله‌ها و در راستای توسعه‌ی پایدار محسوب می‌شود. ظرفیت قابل تحمل محله در برگیرنده‌ی شناخت و ارزیابی موارد بسیاری است که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- توان محله در ارائه‌ی خدمات اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی
- ویژگی‌های مخاطبان خدمات و دستگاه‌های تأمین‌کننده‌ی خدمات
- درجه‌بندی و اولویت‌بندی اهمیت خدمات
- میزان پاسخگویی و کفایت خدمات
- قابلیت جایگزینی خدمات

به طور کلی میتوان معیارهای بررسی، تجزیه و تحلیل و ارزیابی ظرفیت قابل تحمل محله را در چهار گروه ذیل دسته بندی و ارائه کرد.

۱. ظرفیت توسعه محله (توسعه‌ی فیزیکی، توسعه‌ی اقتصادی، توسعه‌ی زیرساخت‌ها و تجهیزات)
۲. ظرفیت دسترسی محله * شبکه‌های معابر سواره و پیاده، سیستم‌های حمل و نقل عمومی و خصوصی).
۳. ظرفیت منابع (زمین، منابع انرژی و آب، تنوع زیستی، هوا و صدا)
۴. خصوصیات مکان (ویژگی‌های طبیعی محله، فضای باز، کیفیت‌های زیبایی و منظر) (عزیزی، ۱۳۸۵: ۴۰).

پیشینه تحقیق

سالک (۱۳۸۶)، با بررسی عوامل موثر بر پایداری توسعه محله‌ای، سطح پایداری محله ده ونک تهران را سنجیده است. نتیجه پژوهش او نشان داده است که میزان پایداری محله ده ونک تهران پایین بوده است. معصومی (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان توسعه‌ی محله‌ای در راستای پایداری کلانشهر تهران به این نتیجه رسید: اصول و معیارهای پایداری محله در حد بالایی در نارمک تحقق یافته است؛ با وجود این، آنچه به عنوان هشدار و دغدغه جدی مطرح است، ظرفیت قابل تحمل محله برای رشد آتی است. مدنی (۱۳۹۱)، ضمن ارزیابی الگوهای نوین برنامه‌ریزی توسعه محله‌ای در پژوهش خود در زمینه برنامه‌ریزی محله‌ای، به این نتیجه رسیده است که معیارهای مردم‌سالاری، فرهنگ و همزیستی، بیشترین نقش را در توسعه اجتماع محلی دارند. کاظمیان و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که تحقق پایدار محله‌ای منوط به استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی محله‌ای است. اذانی و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی به بررسی شاخصهای توسعه‌ی پایدار محله‌ای منطقه ۱۳ اصفهان پرداخته‌اند نتایج حاصل از این پژوهش نشان میدهد محله کشاورز از لحاظ توسعه پایدار در رتبه بالاتری نسبت به محلات دیگر منطقه ۱۳ قرار دادزد و محله باغ زیار از پایداری کمتری برخوردار است. عبداللهی و رختابناک (۱۳۹۳)، ضمن ارزیابی عوامل موثر بر پایداری توسعه محله‌ای

در محله سنگ سیاه شیراز، به این نتیجه رسیدند که معیارهای مانند هویت و خوانایی، پویایی و سازگاری، دسترسی به شبکه ارتباطات و خدمات، احساس تعلق، تنوع و سرزندگی، ظرفیت قابل تحمل محله و امنیت و ایمنی، بر پایداری محله‌ای تدبیر مستقیم دارند. محمدی و پاشازاده (۱۳۹۴)، ضمن بررسی محلات شهر اردبیل از نظر شاخص‌های پایداری، به این نتیجه رسیدند که بخش شایان توجهی از محلات شهری، در وضعیت نامطلوب توسعه قرار دارند. اجزا شکوهی و حسینی (۱۳۹۴)، در پژوهشی تحت عنوان سنجش شاخصهای توسعه پایدار محله ای در شهر مشهد با استفاده از روش PROMETHEE به این نتیجه رسیدند که محله سید رضی و مهرآباد به ترتیب در بهترین (رتبه اول) و بدترین (رتبه پنجم) وضعیت از نظر شاخصهای پایداری محله ای و محلات نوده و مهرآباد به ترتیب در رتبه های دوم تا چهارم از نظر پایداری محله ای قرار دارند. احمدی و توکلی (۱۳۹۵)، در بررسی خود نشان دادند که میزان پایداری محله‌های شهر سردشت از نظر ساکنین پایین‌تر از حد متوسط است و همچنین نتایج نشان داده است که شاخص زیست‌محیطی بیشترین پایداری در شهر سردشت برخوردار است.

از مطالعات خارجی که مورد توجه این تحقیق بوده:

یانگ جان لی و چینگ مینگ هانگ (۲۰۰۷) در مقاله ای با عنوان شاخص پایداری برای تایپه با بررسی های پایداری برای تایپه چین با انتخاب ۵۱ شاخص به این نتیجه رسیدند که شاخصها از نظر پایداری یکسان نیست؛ شاخصهای محیطی و اجتماعی به سمت پایداری در حرکتند در حالیکه شاخصهای اقتصادی و نهادی به طور نسبی ناپایدارند. در کل شاخصهای مورد بررسی در بحث پایداری نشان از حرکت به سمت ۱۱ سال گذشته را دارند. تیم دیکسون (۲۰۱۱)، در بررسی خود، با عنوان «توسعه پایدار شهری تا سال ۲۰۵۰: تغییرات پیچیده در محیط مصنوع شهرها» به اهمیت شناسایی مسائل مربوط به مقیاس محله‌ای برای تحقق توسعه پایدار شهری و محله‌ای تأکید می‌کند. کولتون (۲۰۱۲)، در بررسی خود با عنوان تعریف محله برای تحقیق و سیاست به این نتیجه رسیده است که توجه به مقیاس کوچک و محله‌ای، موجب سهولت در حل مسائل و مشکلات محله‌ای و تحقق توسعه پایدار محله‌ای می‌شود. کاراتاس و ریس (۲۰۱۴)، در پژوهش خود با عنوان ارزیابی عملکرد پایدار در محله شهری بر اساس بازخورد ذینفعان، مدلی ارائه کرده اند. مدل ارائه شده توسط آنها دارای چهار مرحله اصلی است: ۱- مرحله فرمول، شامل مجموعه جامع از معیارهای توسعه پایدار در محله‌های شهری ایجاد شده ۲- مرحله تصمیم‌گیری گروهی و ادغام ارزیابی و قضاوت ذینفعان متعدد ۳- مرحله اجرا و محاسبات خودکار و ۴- ارزیابی عملکرد مدل بکار رفته. ژائو و همکاران (۲۰۱۶)، در پژوهش خود با عنوان چالشهای توسعه پایدار محله ای در چین به این نتیجه رسیده اند که حالت شهرنشینی ناپایدار، عدم حمایت از سیاست، فقدان استانداردهای ملی و ابزار ارزیابی و برنامه‌ریزی غیر قابل تحمل از موانع و چالش‌های توسعه پایدار محله‌ای است.

روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و این پژوهش از نظر هدف، کاربردی است. گردآوری داده‌ها به دو صورت «اسنادی و پیمایشی (با استفاده از ابزار پرسش‌نامه)» انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه محلات شهر خرم‌آباد است. با توجه به وسعت جامعه و عدم امکان دسترسی به تمامی اعضای جامعه از روش نمونه‌گیری تصادفی - خوشه‌ای برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. بدین ترتیب که ابتدا با تدوین پرسشنامه‌ای برای کارشناسان و استفاده از نظر آنها در مورد ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، زیست‌محیطی محلات، محلات (۶۱ محله) در پنج خوشه با سطوح متفاوت خوشه‌بندی و سپس اقدام به انتخاب تصادفی ۹ محله به نام‌های (فازیک، شیرخوارگاه، علوی، شهدا، تفکیک‌های دلفان، اسپستان شرقی، کرکانه و گل سفید) به عنوان نمونه یا محدوده‌ی مورد بررسی از میان خوشه‌های مختلف شده است. با تعیین خانوار به عنوان واحد تحلیل حجم نمونه از طریق فرمول کوکران با خطای اندازه‌گیری ۵

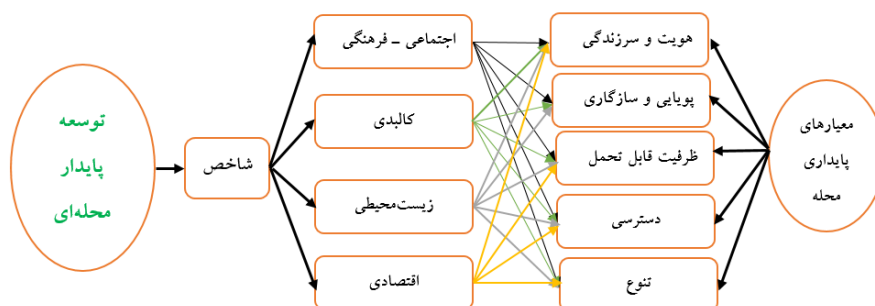
درصد و سطح اطمینان ۹۵ درصد و همچنین با در نظر گرفتن فرض وجود حداکثر ناهمگنی ۳۷۰ خانوار از ۹۷۴۳۲ خانوار ساکن در شهر خرم‌آباد برآورد شد که برای بالا بردن دقت پژوهش از ۳۸۰ پرسشنامه استفاده شده است. در این پژوهش به منظور آزمون فرضیه تحقیق که فرضیه تفاوتی/ مقایسه است از آزمون آنوا (ANOVA) و آزمون توکی (Tukey)، همچنین برای پاسخگویی به سوال پژوهش و رتبه بندی محلات از نظر شاخص های توسعه پایدار محله ای از نتایج آزمون توکی (Tukey) و تحلیل خوشه ای استفاده شده و در نهایت با استفاده از نرم افزار Arc GIS نتایج کار به صورت نقشه اولویت بندی محلات از نظر توسعه پایدار محله ای نمایش داده شده است.

جدول ۱: تعداد حجم نمونه براساس مناطق، نواحی و محلات در شهر خرم‌آباد؛ منبع: نگارندگان

نام منطقه	نام نواحی	نام محلات	جمعیت (خانوار)	مساحت (مترمربع)	تعداد نمونه	درصد	تعداد کل پرسشنامه
۱	۶	شیرخوارگاه	۵۵۰	۱۱۴,۸۹۰۹	۲۷	۷,۲۹	۳۷۰
۱	۶	فازیک	۱۸۴۴	۲۲۴,۵۹	۸۶	۲۳,۲۴	
۲	۵	شهدا	۸۳۴	۲۲۴,۵۹	۳۹	۱۰,۵۴	
۳	۳	علوی	۶۶۴	۴۱,۶۸۳۲	۳۱	۸,۳۷	
۱	۶	تفکیکی خیابانهای دلفان	۱۰۹۸	۱۸۱,۶۷۵۵	۵۱	۱۳,۷۸	
۲	۴	ساحلی خواجهی	۶۷۱	۱۳۹,۲۴۶۱	۳۱	۸,۳۷	
۳	۲۰	اسپستان شرقی	۵۵۳	۱۱۷,۷۷۳۲	۲۵	۶,۷۵	
۲	۱۷	کرگانه	۱۴۰۶	۳۳۱,۲۱۲۹	۶۵	۱۷,۵۶	
۲	۵	گل سفید	۳۱۴	۶۱,۴۷۵۷	۱۵	۱	

معرفی اجمالی متغیر پژوهش

در این پژوهش هدف عمده بررسی توسعه‌ی پایدار محله‌ای است همانطور که در شکل (۱-۵) مشاهده میشود شاخصهای استفاده شده در این پژوهش برای سنجش وضعیت توسعه پایدار محله ای شامل چهار شاخص شاخصهای اجتماعی - فرهنگی، کالبدی، زیست محیطی، اقتصادی است که در برگزیده‌ی اصول و معیارهای پایداری محله‌ای (هویت و سرزندگی، پویایی و سازگاری، تراکم قابل ظرفیت محله، تنوع، دسترسی) میباشد.



شکل ۱: شاخصهای به کار رفته در پژوهش منبع: نگارندگان

محدوده مورد مطالعه

شهر خرم‌آباد به عنوان مرکز استان لرستان و شهرستان خرم‌آباد، با استناد به طرح تفصیلی در حال حاضر به ۳ منطقه، ۲۴ ناحیه تقسیم شده است (مهندس مشاور پارت، ۱۳۹۴، ۲۶). از میان ۶۱ محله شهر خرم‌آباد ۹ محله به نام محلات شیرخوارگاه، فاز یک، تفکیکی خیابانهای دلفان، ساحلی خواجهی، کرگانه، گل سفید، شهدا، علوی، اسپستان شرقی به

صورت تصادفی از خوشه‌های مختلف به عنوان محدوده مورد مطالعه پژوهش انتخاب شده است. جمعیت این محدوده با استفاده از جمعیت بلوکهای آماری بدست آمده از مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰ برابر با ۲۸۴۴۱ نفر، معادل ۷۹۳۴ خانوار می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). مساحت تقریبی محدوده مورد مطالعه بدست آمده از نرم افزار Gis در حدود ۲۶۵/۳۷۹ هکتار می‌باشد.

یافته های پژوهش

تحلیل متغیرهای توصیفی

در سطح تحلیل توصیفی داده‌ها در محله‌های مورد بررسی شهر خرم‌آباد از متغیرهای جنس، سن، تعداد خانوار، تحصیلات، استفاده شده است.

جدول ۲: توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان در متغیرهای جمعیتی

-	-	-	-	زن	مرد	جنسیت
-	-	-	-	۲۸	۳۵۲	فراوانی
-	-	-	-	۷/۳۷	۹۲/۶۳	درصد
-	بالای ۶۰ سال	۵۱-۶۰ سال	۴۱-۵۰ سال	۳۰-۴۱ سال	۲۰-۳۰ سال	سن
-	۶۸	۱۰۸	۱۳۰	۵۶	۱۸	فراوانی
-	۱۷/۹	۲۸/۴	۳۴/۲	۱۴/۷	۴/۷	درصد
-	۵ خانوار و بیشتر	۴ خانوار	۳ خانوار	۲ خانوار	۱ خانوار	تعداد خانوار
-	-	-	۲	۳۷	۳۴۱	فراوانی
-	-	-	۰/۵	۹/۷	۸۹/۷	درصد
-	کارشناسی ارشد و بالاتر	کارشناسی	فوق دیپلم	دیپلم	زیردیپلم	تحصیلات
۲۷	۴۴	۹۷	۵۹	۸۴	۶۹	فراوانی
۷/۱	۱۱/۶	۲۵/۵	۱۵/۵	۲۲/۱	۱۸/۲	درصد

منبع: نگارندگان

تحلیل

در این پژوهش به منظور پاسخگویی به سوال پژوهش و تایید یا رد فرضیه تحقیق از آزمونهای آماری مناسب استفاده گردیده و به صورت زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند:

فرضیه پژوهش: به نظر می رسد محلات محدوده مورد مطالعه از نظر شاخصهای توسعه‌ی پایدار محله‌ای در وضعیت متفاوتی قرار دارند. به منظور تایید یا رد این فرضیه که از نوع تفاوتی/ مقایسه‌ای هست از آزمون آنوا استفاده می‌شود:

جدول ۳: مقادیر محاسبه شده با استفاده از تحلیل واریانس برای شاخص‌های توسعه پایدار محله‌ای (منبع: یافته‌های تحقیق)

sig	F	میانگین مربعات	Df	مجموع مربعات	واریانس	مولفه‌های توسعه پایدار محله‌ای
۰/۰۰۰	۲۰/۹۹۹	۲/۶۸۶	۸	۲۱/۴۹۰	بین گروهی	اجتماعی - فرهنگی
		۰/۱۲۸	۳۷۱	۴۷/۴۶۰	درون گروهی	
		-	۳۷۹	۱۳۱/۶۶۱	مجموع	
۰/۰۰۰	۳۵/۴۴۵	۴/۷۷۹	۸	۳۸/۲۲۸	بین گروهی	کالبدی
		۰/۱۳۵	۳۷۱	۵۰/۰۱۷	درون گروهی	
		-	۳۷۹	۸۸/۲۴۵	مجموع	
۰/۰۰۰	۱۰۲/۱۷۵	۱۰/۸۹۵	۸	۸۷/۱۵۸	بین گروهی	زیست محیطی
		۰/۱۰۷	۳۷۱	۳۹/۵۵۹	درون گروهی	
		-	۳۷۹	۱۲۶/۷۱۷	مجموع	
		۳/۱۱۴	۸	۲۴/۹۱۲	بین گروهی	

اقتصادی	درون‌گروهی	۵۲/۶۱۶	۳۷۱	۰/۱۴۲	۲۱/۹۵۷	۰/۰۰۰
	مجموع	۷۷/۵۲۸	۳۷۹	-		

با توجه به جدول نتایج نشان‌داده است که در همه‌ی شاخص‌های توسعه‌ی پایدار محله‌ای (شاخص اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی، کالبدی)، بین محلات مورد بررسی از نظر تفاوت میانگینها اختلافات معنادار است به عبارت دیگر در سطح معناداری آزمون فیشر (همان sig) برای هر چهار شاخص برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد و در سطح اطمینان ۰/۹۵ درصد کوچکتر از ۰/۰۵ است بنابراین تفاوت معنی‌داری از نظر میانگین بین گروهها وجود دارد و همه محلات در سطح متفاوتی قرار دارند بنابراین فرضیه (H0) تساوی میانگینها در شاخصهای توسعه‌ی پایدار محله‌ای برای گروهها رد و فرضیه مخالف (H1) یعنی تفاوت میانگینها از نظر شاخصها در محلات پذیرفته شده است. همانطور که مشاهده می‌کنید تنها با استفاده از تحلیل واریانس نمی‌توان مشخص کرد که این تفاوتها مربوط به کدام یک از محلات است؛ بنابراین در این تحقیق از آزمون Tukey برای مشخص شدن اختلافات سطح محلات مورد مطالعه، از نظر شاخص‌های تشکیل دهنده توسعه پایدار محله ای استفاده شده است. در این آزمون به منظور نشان‌دادن اختلاف سطح محلات و استفاده از نتایج آزمون توکی محلاتی را که از نظر تفاوت میانگین با هم اختلاف چندانی ندارند در دسته‌های ۱، ۲، ۳، و... همگن دسته‌بندی میکنند در واقع محلات همگن در یک دسته از نظر تفاوت میانگین اختلاف چندانی با هم ندارند اما از این نظر با محلات دسته‌های دیگر از نظر تفاوت میانگین اختلاف دارند و این اختلاف در واقع تمایز دسته‌های همگن از همدیگر را مشخص میکند. به بیان دیگر آزمون Tukey جایگاه هر محله در شهر را، به لحاظ عوامل مورد بررسی، با استفاده از میانگین رتبه‌ای، در گروه‌های همگن و البته متمایز از هم نشان می‌دهد. که نتایج آن در جدول زیر آمده است.

جدول ۴: طبقه‌بندی محلات در گروه‌های همگن بر اساس شاخص توسعه‌ی پایدار محله‌ای

شاخص اجتماعی	تعداد	معناداری طبقات در سطح آلفا ۰/۰۵			تعداد	شاخص کالبدی	تعداد	معناداری طبقات در سطح آلفا ۰/۰۵		
		۱	۲	۳				۱	۲	۳
گل سفید	۱۶			۲/۷۱	۱۶	گل سفید	۱۶			۲/۴۳
اسپستان شرقی	۳۱			۲/۹۰	۳۱	اسپستان شرقی	۳۱			۲/۷۳
کرگانه	۶۶			۲/۹۱	۶۶	کرگانه	۶۶			۲/۹۰
فازیک	۸۴				۳۹	شهدا	۳۹			۳/۴۰
ساحلی خواجه‌جوی	۵۴				۳۱	ساحلی خواجه‌جوی	۳۱			۳/۴۳
تفکیکی دلفان	۳۹				۸۴	فازیک	۸۴			۳/۴۵
علوی	۳۱				۳۱	علوی	۳۱			۳/۴۷
شهدا	۳۹				۵۴	تفکیکی دلفان	۵۴			۳/۵۰
شیرخوارگاه	۲۸				۲۸	شیرخوارگاه	۲۸			۳/۷۰
زیست محیطی	تعداد	معناداری طبقات در سطح آلفا ۰/۰۵			تعداد	اقتصادی	تعداد	معناداری طبقات در سطح آلفا ۰/۰۵		
گل سفید	۱۶			۲/۴۳				۶۶	کرگانه	۶۶
اسپستان شرقی	۳۱			۲/۷۳	۱۶	سفیدگل	۱۶			۲/۲۶
کرگانه	۶۶			۲/۹۰	۳۱	اسپستان شرقی	۳۱			۲/۳۳
شهدا	۳۹				۳۱	خواجه‌جوی ساحلی	۳۱			۲/۵۶
خواجه‌جوی ساحلی	۳۱				۵۴	دلفان تفکیکی	۵۴			۲/۶۹
علوی	۸۴				۳۱	علوی	۳۱			۲/۷۰

۲/۸۰			۳۹	شهدا	۳/۴۸	۳/۴۸		۳۱	فاز یک
۲/۸۴			۸۶	فاز یک	۳/۴۹	۳/۴۹		۵۴	دلفان تفکیکی
۳/۰۵			۲۸	شیرخوارگاه	۳/۷۰			۲۸	شیرخوارگاه

در این پژوهش اگر میانگین شاخص محلات را نسبت به هم مقایسه کنیم نتایج جدول نشان می‌دهد در شاخص اجتماعی - فرهنگی محلات گل سفید، اسپستان شرقی، کرگانه، به ترتیب با میانگین رتبه‌ای (۲/۷۱، ۲/۹۰، ۲/۹۱)، در سطح یک یعنی سطح ضعیف (ناپایدار) و محلات فاز یک، ساحلی خواجهی، تفکیکی دلفان، علوی و شهدا، به ترتیب با میانگین رتبه‌ای (۳/۱۴، ۳/۱۷، ۳/۳۴، ۳/۳۸، ۳/۴۹)، در سطح دوم (سطح متوسط) (نیمه پایدار) و محله شیرخوارگاه به ترتیب با میانگین رتبه‌ای (۳/۷۲) در سطح سوم (خوب) (پایدار) قرار دارد.

در شاخص کالبدی محلات گل سفید، اسپستان شرقی، کرگانه، به ترتیب با میانگین رتبه‌ای (۲/۴۳، ۲/۷۳، ۲/۹۰) در سطح یک یعنی سطح ضعیف (ناپایدار) و محلات شهدا، ساحلی خواجهی، فازیک، علوی و تفکیکی دلفان به ترتیب با میانگین رتبه‌ای (۳/۴۰، ۳/۴۳، ۳/۴۵، ۳/۴۷، ۳/۵۰) در سطح دوم (سطح متوسط) (نیمه پایدار) و محله شیرخوارگاه به ترتیب با میانگین رتبه‌ای (۳/۷۰) در سطح سوم (خوب) (پایدار) قرار دارد.

در شاخص زیست محیطی محلات گل سفید، اسپستان شرقی، کرگانه، به ترتیب با میانگین رتبه‌ای (۲/۴۳، ۲/۷۳، ۲/۹۰) در سطح یک یعنی سطح ضعیف (ناپایدار) و محلات خواجهی ساحلی، تفکیکی دلفان، علوی، به ترتیب با میانگین رتبه‌ای (۳/۲۰، ۳/۲۴، ۳/۴۰)، در سطح دوم (سطح متوسط) (نیمه پایدار) و محلات فاز یک، تفکیکی دلفان و شیرخوارگاه به ترتیب با میانگین رتبه‌ای (۳/۴۸، ۳/۴۹، ۳/۷۰) در سطح سوم (خوب) (پایدار) قرار دارند.

در شاخص اقتصادی محلات کرگانه، گل سفید و اسپستان شرقی به ترتیب با میانگین رتبه‌ای (۲/۲۰، ۲/۲۶، ۲/۳۳) در سطح یک یعنی سطح ضعیف (ناپایدار) و محلات خواجهی ساحلی، دلفان تفکیکی، علوی و فازیک به ترتیب با میانگین رتبه‌ای (۲/۵۶، ۲/۶۹، ۲/۷۰، ۲/۷۲) در سطح دوم (سطح متوسط) (نیمه پایدار) و محلات شهدا و شیرخوارگاه به ترتیب با میانگین رتبه‌ای (۲/۸۴، ۳/۰۵) در سطح سوم (خوب) (پایدار) قرار دارند. اما اگر میانگین تمامی محلات را نسبت به یک میانگین مفروض بسنجیم که در این پژوهش از آنجاییکه سوالات از نوع طیفی لیکرت هستند لذا میانگین استاندارد را عدد سه قرار می‌دهیم و میانگین محلات را با آن مقایسه کنیم به نتایج زیر خواهیم رسید

در شاخص اجتماعی - فرهنگی سه محله‌ی گل سفید، اسپستان شرقی و کرگانه با میانگین رتبه‌ای (۲/۷۱، ۲/۹۰، ۲/۹۱) پایتزر از سطح استاندارد و لذا از نظر این شاخص در سطح ناپایداری قرار دارد و مابقی محلات با سطح میانگین بالاتر از عدد سه در شرایط پایداری قرار دارند

در شاخص کالبدی سه محله‌ی گل سفید، اسپستان شرقی و کرگانه به ترتیب با (۲/۴۳، ۲/۷۳، ۲/۹۰) در سطح ناپایدار قرار دارند و مابقی محلات در سطح با میانگینی بالاتر از ۳ در سطح پایداری قرار دارند

در شاخص زیست محیطی سه محله‌ی گل سفید، اسپستان شرقی و کرگانه به ترتیب با (۲/۴۳، ۲/۷۳، ۲/۹۰) در سطح ناپایدار و بقیه محلات در سطح پایداری قرار دارند

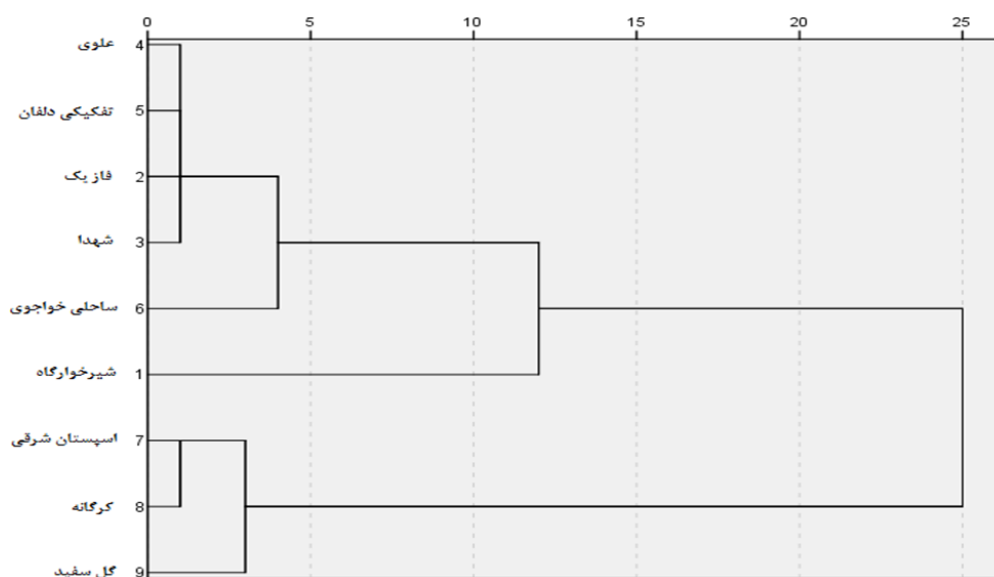
در شاخص اقتصادی با وجود تفاوتی که بین محلات هست اما از آنجاییکه میانگین همه پایتزر از عدد سه میباشد در کل همه محلات از نظر این شاخص در وضع ناپایداری قرار دارند.

در نهایت با مقایسه میانگین رتبه‌ای محلات نسبت به هم از نظر شاخص‌های توسعه پایدار محله‌ای، می‌توان گفت محله شیرخوارگاه در مقایسه با سایر محلات با میانگین رتبه‌ای بالاتر در سطح خوب، محله‌های ساحلی خواجهی، تفکیکی دلفان، شهدا، فازیک، علوی با میانگین رتبه‌ای متوسط در سطح متوسط و محله کرگانه، اسپستان شرقی و گل سفید با میانگین رتبه‌ای پایین در سطح پایین تری قرار دارند در نهایت با توجه به نتایج دو جدول فرضیه پژوهش تایید شده است.

پاسخگویی به سوال پژوهش: کدام یک از محلات مورد مطالعه شهر خرم‌آباد از نظر توسعه پایدار محله‌ای در شرایط مناسبتری قرار دارد؟

به منظور پاسخگویی به این سوال از نتایج آزمون توکی و از روش تحلیل خوشه‌ای استفاده شده است. تحلیل خوشه‌ای یکی از روش‌های پرکاربرد در بسیاری از شاخه‌های علمی است. این روش به محقق امکان می‌دهد تا بر مبنای همگنی

موجود در بین موارد یا موضوعات مورد مطالعه، آن‌ها را به شیوه‌ای مناسب طبقه‌بندی کرده و سپس مورد تفسیر و تحلیل قرار دهد. به عبارت دیگر، تحلیل خوشه‌ای تکنیکی برای سطح‌بندی مناطق، شهرها، روستاها و ... بر اساس ویژگی‌های مختلف موجود در هر مکان است. به طوری که در این سطح‌بندی مکان‌های واقع در یک سطح شباهت زیادی با همدیگر داشته اما با مکان‌های سطوح دیگر تفاوت قابل توجهی دارند. سطح‌بندی مکان‌های همگن در این روش به شیوه‌های مختلف صورت می‌گیرد. مهم‌ترین روشی که در تحلیل خوشه‌ای برای تعیین شباهت‌های بین مکان‌های مختلف مطرح می‌شود، تعیین ضریب همبستگی بین هر جفت از مکان‌ها یا متغیرها است. اندازه‌گیری فاصله به‌ویژه فاصله اقلیدسی از دیگر روش‌های است که در سطح وسیع برای تعیین شباهت‌های بین مکان‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. داده‌های برداشت شده در این پژوهش به روش *r-mode cluster analysis* و با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل و قرار گرفته است. جهت پردازش این داده‌ها در وهله اول نیاز به انتخاب معیاری مناسب جهت محاسبه شباهت بین متغیرها می‌باشد. بنا بر تئوری روش تحلیل خوشه‌ای تصمیم گرفته شد از معیار شباهت «ضریب همبستگی پیرسون» در محاسبه شباهت بین متغیرها استفاده گردد پس از انتخاب این معیار شباهت، جهت تهیه نمودار درختی معرف ساختار درونی متغیرها در ۹ محله شهر خرم‌آباد، نیاز به انتخاب روش مناسبی جهت اتصال خوشه‌ها می‌باشد. با توجه به معیار شباهت انتخاب‌شده و نتایج تجربی حاصل از روش‌های مختلف اتصال خوشه‌ها، روش اتصال متوسط بین خوشه‌ها^۱ به‌عنوان مناسب‌ترین روش در تهیه نمودار درختی انتخاب شد. نتیجه حاصل از تحلیل داده‌ها معمولاً به‌صورت یک نمودار درختی است. در این نمودار خوشه‌های مختلف نشان‌دهنده ارتباط بین متغیرها با محله‌ای ۹ گانه مدنظر می‌باشند. حضور دو یا چند متغیر در یک خوشه و نهایتاً در یک گروه خاص، حاکی از شباهت بین متغیرها می‌باشد. بنابراین با استفاده از این نمودار می‌توان اقدام به گروه‌بندی متغیرها نمود. برای این کار نیاز به رسم خط فنون (phenon line) می‌باشد. این خط می‌تواند در سطوح مختلفی از شباهت بین گروه‌ها رسم شود و در موقعیت‌های مختلف، مجموعه کل متغیرها را به گروه‌های جداگانه‌ای تقسیم نماید. با توجه به تئوری روش آنالیز خوشه‌ای و با در نظر گرفتن معیارهای تعیین بهترین مکان برای خط فنون، این موقعیت انتخاب گردید که بر این اساس کل متغیرهای مورد مطالعه در ۳ گروه اساسی (۳ خوشه) قرار داده شده‌اند.



نمودار ۱: تحلیل خوشه‌ای وضعیت توسعه پایدار محله‌ای در سطح محلات جامعه نمونه

سطح‌بندی فوق نشان‌دهنده وضعیت توسعه پایدار محله‌ای در سطح محله‌های شهر خرم‌آباد بر اساس سطوح توسعه پایدار محله‌ای در سه طبقه همگن است نمودار این سطح‌بندی نمایانگر این است که محله‌های واقع در یک سطح شباهت

۱- average linkage between groups

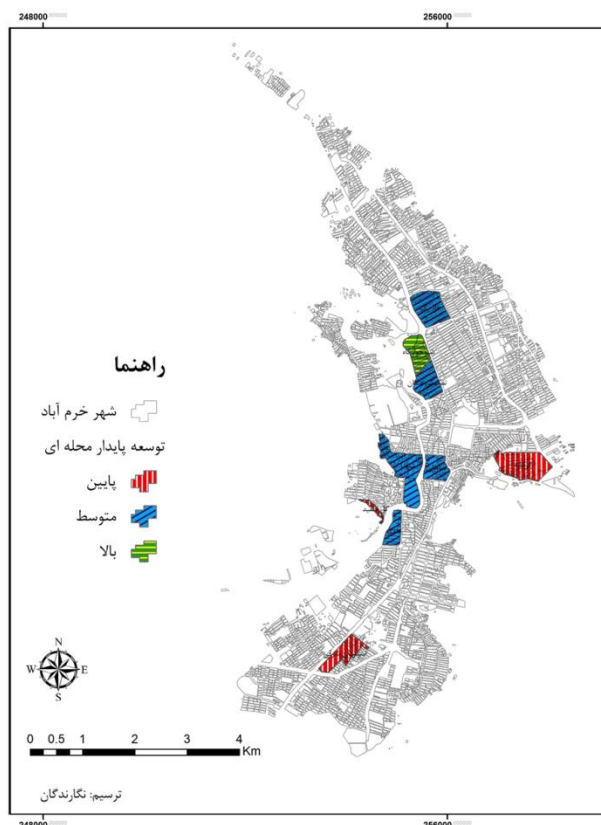
زیادی با همدیگر داشته اما تفاوت قابل توجهی با مکان‌های سطوح دیگر دارند. در واقع در تحلیل خوشه‌ای همگن یا ناهمگن بودن سطوح و درآزمون توکی مشخص می‌شود که آیا این همگنی در جهت پایداری بوده یا نه؟ به عبارت دیگر از طریق تحلیل خوشه‌ای ابتدا محلات همگن مشخص و سپس از طریق آزمون توکی که نتایج آن در جدول زیر آمده است با مقایسه میانگین رتبه‌ای محلات نسبت به هم درجه یا رتبه پایداری محلات نسبت به هم مشخص شده است.

جدول ۵: تعیین سطوح همگن توسعه پایدار محله‌ای در محلات جامعه نمونه با استفاده از نتایج آزمون توکی و تحلیل خوشه‌ای

سطح	تعیین سطوح همگن توسعه پایدار محله‌ای	محله‌ها
۳	توسعه پایدار محله‌ای بالا	شیرخوارگاه
۲	توسعه پایدار محله‌ای متوسط	تفکیکی دلفان، شهدا، فازیک، علوی و ساحلی خواجه‌جوی
۱	توسعه پایدار محله‌ای پایین	کرگانه، اسپستان شرقی و گل سفید

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج نشان داده است محله شیرخوارگاه دارای توسعه‌ی پایدار محله‌ای بالا در سطح ۳ (پایدار)، محله‌های ساحلی خواجه‌جوی، تفکیکی دلفان، شهدا، فازیک، علوی دارای توسعه‌ی پایدار محله‌ای متوسط در سطح ۲ (نیمه پایدار)، محله کرگانه، اسپستان شرقی و گل سفید دارای توسعه‌ی پایدار محله‌ای پایین در سطح ۱ (ناپایدار) در محدوده مورد مطالعه می‌باشند.



نقشه ۱: سطوح همگن توسعه پایدار محله‌ای در محله‌های جامعه نمونه

نتیجه‌گیری

توسعه پایدار در مقیاس محله به معنای "ارتقای کیفیت زندگی در شهر" شامل همه ویژگیها و اجزا زیست محیطی، فرهنگی، سیاسی، اداری، اجتماعی و اقتصادی بدون نابودی منابع طبیعی و افزایش کمیوهای محلی برای نسل آینده می‌باشد. در واقع توسعه پایدار محله‌ای به دنبال دستیابی به اهداف توسعه در همه ابعاد (زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی،

کالبدی) در سطح خرد(محله) با تکیه بر مشارکت و دخالت دادن مردم در مدیریت محلات شهری به مثابه‌ی کوچکترین جز در نظام تقسیمات درون شهری می باشد به گونه‌ای که ضمن بهره‌گیری از حداقل ظرفیتهای محلی، بتوان با شناخت کاستیها و معایب محلات و برطرف کردن و بهبود آن کاستیها و معایب به توسعه پایدار محله‌ای و فراهم کردن زمینه توسعه پایدار برای سطوح کلان از جمله شهر و کشور دست یافت. بر این اساس در این پژوهش به سنجش و ارزیابی وضعیت شاخصهای توسعه پایدار محله‌ای در شهر خرم‌آباد پرداخته شده است. نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان می دهد که بین محلات مورد مطالعه از نظر شاخص‌های توسعه پایدار محله‌ای به لحاظ آماری تفاوت‌های معناداری وجود دارد به طوریکه محله شیرخوارگاه دارای توسعه‌ی پایدار محله‌ای بالا در سطح ۳ (پایدار)، محله‌های ساحلی خواجوی، تفکیکی دلفان، شهدا، فازیک، علوی دارای توسعه‌ی پایدار محله‌ای متوسط در سطح ۲ (نیمه پایدار)، محله کرگانه، اسپستان شرقی و گل سفید دارای توسعه‌ی پایدار محله‌ای پایین در سطح ۱ (ناپایدار) قرار دارند. از جمله دلایل سطوح متفاوت پایداری در بین محلات مورد مطالعه میتوان به وجود سیستم برنامه ریزی و مدیریت شهری متمرکز از بالا به پایین (دستوری) و ختم شدن تشکیلات شهرداری به سطح ناحیه، خلا وجود شورایاری محله یا ضعف عملکردی این نهاد محله محور در حل مشکلات محلات، ضعف اعتماد نهادی شهروندان به عملکرد مدیریت شهری و فقدان مشارکت فعال شهروندان در اداره امور شهر، کاهش حس تعلق و مسئولیت‌پذیری شهروندان و همبستگی اجتماعی آنان، ناهمسانی و تفاوت در تعریف محدوده محلات و تنوع معیارها در این زمینه و عدم توجه به عناصر هویت بخش محلات به ویژه عناصر زیست‌محیطی، کمبود اطلاعات دستگاه‌های اجرایی و دست‌اندرکاران مدیریت شهری از نیازها، اولویت‌ها و ظرفیت‌های محله‌ای، عدم انعطاف‌پذیری و تناسب برنامه‌ها و طرح‌های مدیریت شهری با نیازها و شرایط واقعی مردم، افزایش نابرابری اجتماعی و تضاد به واسطه عدم تعادل در توزیع تاسیسات و تجهیزات شهری و خدمات شهری توسط مدیریت شهری در سطح محلات اشاره کرد.

منابع

۱. معصومی، سلمان (۱۳۹۰)، "توسعه محله‌ای در راستای پایداری کلاتشهر تهران"، انتشارات جامعه و فرهنگ، چاپ اول
۲. شیعه، اسماعیل (۱۳۸۸)، مقایسه محله‌های تهران با معیارهای یک محله پایدار از نظرگاه شهرسازی، مجموعه مقالات همایش توسعه پایدار محلی، تهران، انتشارات طرح نو.
۳. عزیزی، محمدمهدی (۱۳۸۵)، محله مسکونی پایدار: مطالعه موردی نارمک، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۷، صص ۳۵-۴۶.
۴. قربانی، ابراهیم، ذاکری، هادی، شادمانفر، رضا، وکیل‌پور، (۱۳۹۰) "کتاب آموزشی مدیریت محله"، نشر مدیران، چاپ اول
۵. خدایی، زهرا، پورجعفر، محمدرضا، تقوایی، علی‌اکبر، (۱۳۸۹)، "بررسی نقش سرمایه اجتماعی در فرآیند توسعه پایدار اجتماعات محلی (نمونه‌ی مورد مطالعه: محله‌ای نواب تهران)"، مجموعه مقالات نخستین همایش توسعه شهری پایدار، قطب علمی توسعه شهری پایدار، تهران
۶. بیگلری، شادی، (۱۳۸۹)، "ارزیابی عملکرد مدیریت شهری در پایداری محله‌ای ناحیه ۲ شهرداری منطقه ۴ تهران"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
۷. آزربرزین، نیلوفر (۱۳۹۳)، "تحلیل جغرافیایی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در سطح محله‌های شهری جهت توسعه پایدار محله‌ای (نمونه موردی محله‌های منطقه ۳ شهر اصفهان)"، رساله کارشناسی ارشد، استاد راهنما: حمیدرضا وارثی، دانشگاه اصفهان، دانشکده‌ی علوم انسانی
۸. سالک، نیما (۱۳۸۶)، عوامل مؤثر بر پایداری توسعه محله در فرایند برنامه ریزی شهری، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
۹. مدنی، بهاره (۱۳۹۱)، ارزیابی الگوهای نوین برنامه ریزی توسعه محله‌ای، نمونه موردی: محله نارمک تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۰. کاظمیان، غلامرضا، قربانی‌زاده، وجیه‌الله، شفیعا، سعید (۱۳۹۱)، دستیابی به توسعه پایدار محلی از طریق ظرفیت اجتماعی ساکنین و فعالان اقتصادی محله غیررسمی مطالعه موردی: محله شمیران نو، نشریه مطالعات شهری، شماره ۱۱، صص ۶۴-۵۱، شماره ۴ صص ۱۰-۱.
۱۱. عبدالحی، علی اصغر، رختابناک، شهره (۱۳۹۳)، ارزیابی عوامل مؤثر بر پایداری توسعه محله در فرایند برنامه ریزی شهری نمونه موردی: محله سنگ سیاه شیراز، مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال پنجم، شماره هفدهم، صص ۱۲۲-۱۰۳.
۱۲. محمدی، علیرضا، پاشازاده، اصغر (۱۳۹۴)، سنجش سطح پایداری محلات شهر اردبیل با تأکید بر محلات با هسته‌های روستایی، نشریه مطالعات شهری، شماره ۱۱، صص ۶۴-۵۱.
۱۳. اجزا شکوهی، محمد، حسینی، سید مصطفی (۱۳۹۴)، سنجش شاخصهای توسعه پایدار محله‌ای در شهر مشهد با استفاده از روش PROMETHEE، فصلنامه شهرپایدار، شماره ۱، صص ۱۵۵-۱۲۹.
۱۴. احمدی، شیرکو، توکلی، مرتضی (۱۳۹۵)، ارزیابی و سنجش وضعیت پایداری محله‌ها در شهر سردشت، جغرافیا و آمایش شهری، شماره ۲۰، صص ۱۷۰-۱۵۳.
۱۵. شریفی، حسن‌پاشا، نجفی‌زند جعفر، (۱۳۷۸) "روشهای آماری در علوم رفتاری (آمار توصیفی و استنباطی)"، چاپ نهم، تهران، انتشارات سخن.
۱۶. هودسنی، هانیه، (۱۳۸۴)، توسعه محله‌ای پایدار، مفاهیم و خاستگاه تاریخی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر .
۱۷. مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، گزارش سرشماری نفوس و مسکن شهر خرم‌آباد، معاونت برنامه‌ریزی استانداری لرستان.
18. Choguill, C.L., (2008). Developing Sustainable Neighborhoods, Habitat International, 32: 41-48.
19. Choguill, Charles L. (2007). Developing Sustainable Neighborhoods, Habitat International, vol.27, No.3.
20. Coulton, Claudia, (2012). Defining Neighborhoods For Research And Policy, 231 Cityscape: A Journal of Policy Development and Research, Volume 14, Number 2 , 2012 U.S

21. Dixon, Tim., (2011). Sustainable Urban Development To 2050: Complex Transitions In The Built Environment Of Cities, Retrofit 2050 Working Paper October 2011, Oxford Institute for Sustainable Development, Oxford Brookes University.
22. Francis Scott, C., Jambeck, J., and Scott, N., (2014), The Sustainable Neighborhoods for Happiness Index (SNHI): A metric for assessing a community's sustainability and potential influence on happiness, *Journal of Ecological Indicators*, 40(96):147-152. Group publication, London & New York.
23. Karatas, A & El-Rayes, K., (2014), evaluating the performance of sustainable in urban neighborhood based on the feedback of multiple stakeholders, *Journal of Sustainable Cities and Society*, 14: 374-382.
24. Kline, E, (1997), Sustainable community indicators' in: roseland, M. (Ed). *Eco – city Dimensions: Healthy. Communityies, Healthy planet*, Newsociety publishers.
25. Lee, Yung Jaan, Hunge, Ching, Ming (2007) *Sustanability index for Taipei*.
26. Phillips, R. and Pittman, H. R., 2009, *An introduction to community development*, Routledge Taylor & Francis Group publication, London & New York.
27. Richards, G. and Hall, D.,(2002). *Tourism and sustainable community development*, Routledge.
28. Sharifi, A., & Murayama, A., (2013). A critical review of seven selected neighborhood sustainability assessment tools, *Environmental Impact Assessment Review*, 38: 73–87.
29. Shi, Q, Yu, T, Zuo, J, Lai, X., (2016). Challenges of development sustainable neighborhoods in China, *Journal of Cleaner Production*, 135: 972-983.
30. Townsend, c. L. (2005). *Building great neighborhood a citizens 'guide for neighborhood planning*. Michigan: Michigan state university.
31. Wheeler, Stephen M.(2004), "Planning for Sustainability" Routledge, London and New York.